



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد تهران مرکزی

دانشکده حقوق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A)

گرایش: حقوق جزا و جرم شناسی

**عنوان:**

مهلت معقول در دادرسی کیفری در پرتو حقوق ایران و اسناد بین المللی

**استاد راهنما:**

دکتر حسین میر محمد صادقی

**استاد مشاور:**

دکتر رجبعلی گلدوست جویباری

**نگارش:**

زهرا اشعه شار

تابستان ۱۳۹۰

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	چکیده
۱	مقدمه
۹	بخش اول: مفهوم، جایگاه و قلمرو مهلت معقول در دادرسی
۱۱	فصل اول: تبیین دادرسی با مهلت معقول
۱۱	مبحث اول: دادرسی عادلانه
۱۲	گفتار اول: پیشینه دادرسی عادلانه
۱۵	گفتار دوم: مفهوم دادرسی عادلانه
۱۸	مبحث دوم: مفهوم مهلت معقول
۱۹	گفتار اول: جایگاه مهلت معقول در اسناد بین المللی و قوانین ایران
۲۵	گفتار دوم: قلمرو دادرسی با مهلت معقول
۲۸	گفتار سوم: اصل سریع بودن دادرسی و پرهیز از شتابزدگی
۳۲	مبحث سوم: شاخصه های مهلت معقول
۳۲	گفتار اول: نقش موقعیت قضیه در تشخیص مهلت معقول

- گفتار دوم: نقش سیستم قضایی در تشخیص مهلت معقول ..... ۳۳
- گفتار سوم: ماهیت قضیه ..... ۳۵
- گفتار چهارم: نقش طرفین دعوی ..... ۳۸
- فصل دوم: مبانی مهلت معقول ..... ۴۳
- مبحث اول: اهمیت دادرسی با مهلت معقول ..... ۴۳
- گفتار اول: ایجاد حس اعتماد ..... ۴۳
- گفتار دوم: مهلت معقول در بازداشت قبل از محاکمه ..... ۴۶
- گفتار سوم: مهلت معقول به عنوان حق مشترک در دادرسی ..... ۴۹
- مبحث دوم: مفهوم اطلاع دادرسی، نقش ساختار قضایی در اطلاع دادرسی ..... ۵۱
- گفتار اول: مشکلات ناشی از نحوه قانونگذاری و مراجع آن ..... ۵۳
- گفتار دوم: نقش قانون آیین دادرسی کیفری در اطلاع دادرسی ..... ۵۶
- مبحث سوم: نقش دست اندرکاران قضا در اطلاع دادرسی ..... ۶۰
- گفتار اول: مشکلات ناشی از ساختار تشکیلات قضایی ..... ۶۲
- گفتار دوم: مشکلات ناشی از عوامل و نیروی انسانی در امور دادرسی ..... ۶۳

بخش دوم: مقتضیات قانونی و قضایی رعایت مهلت معقول، ضمانت اجرا و جبران

۶۹ خسارت .....

۷۱ فصل اول: نقش مقتضیات قانونی و قضایی .....

۷۱ مبحث اول: مقتضیات قانونی رعایت مهلت معقول .....

۷۱ گفتار اول: حفظ استقلال قاضی .....

۷۷ گفتار دوم: محدودیت در طرق تجدیدنظرخواهی .....

۷۹ گفتار سوم: قضا زدایی .....

۸۳ گفتار چهارم: تخصصی کردن پرونده ها و دادگاه ها .....

۸۵ گفتار پنجم: تدابیر قانونی برای رعایت مهلت معقول .....

۹۰ مبحث دوم: مقتضیات قضایی رعایت مهلت معقول .....

۹۱ گفتار اول: کنترل اوقات رسیدگی و ابلاغ اوراق قضایی .....

۹۳ گفتار دوم: تعیین وقت رسیدگی .....

۹۵ گفتار سوم: ارزشیابی دقیق و توجه به کیفیت احکام .....

۹۶ گفتار چهارم: پیش بینی نهادهای کنترلی و نظارتی .....

۹۸ گفتار پنجم: تدابیر قضایی برای رعایت مهلت معقول .....

فصل دوم: ضمانت اجرا و جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول	۱۰۰
مبحث اول: ضمانت اجرا	۱۰۰
گفتار اول: نقض مهلت معقول توسط دست اندرکاران قضا	۱۰۰
گفتار دوم: نقض مهلت معقول توسط اشخاص دخیل در پرونده	۱۰۶
مبحث دوم: جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول	۱۰۷
گفتار اول: شرایط جبران خسارت	۱۰۹
گفتار دوم: جبران خسارت در کشورهای عضو کنوانسیون	۱۱۴
گفتار سوم: وظیفه خواهان در گذراندن تمام مراحل قضایی در کشور خود	۱۱۵
گفتار چهارم: انواع جبران خسارت	۱۱۶
نتیجه گیری	۱۲۰
فهرست منابع	۱۲۸

## مقدمه

تقریباً در تمام اسنادی که تاکنون درباره حقوق بشر به تصویب مراجع بین المللی رسیده است مضمون واحدی به چشم می خورد، این اسناد به طور خلاصه بر این نکته متفق اند که بشر از حقوق و آزادی هایی برخوردار است که باید الزاماً و به گونه ای مؤثر از آن حمایت شود و دولت ها موظف اند در صورت نقض این حقوق تدابیر مطمئن برای احقاق حقوق افراد فراهم آورند. استقرار نظم عمومی در يك جامعه پیشرفته محتاج به قوانینی است که محتوای آن با معیارهای صحیح سنجیده شده و شایستگی و توان پاسداری از نظم جامعه را داشته باشد. در میان انبوه قوانین، قوانین کیفری به طور قطع و بالاخص مقررات مربوط به دادرسی کیفری نقش عمده ای در بقاء و دوام نظم جامعه ایفاء می نماید.

تعقیب و محاکمه و صدور حکم محکومیت درباره بزهکاران و در عین حال ممانعت از صدمه به حقوق آنان و نیز حفظ افراد شریف و پاکدامن و جلوگیری از صدور محکومیت های ناروا که از اهم اهداف آیین دادرسی کیفری است، همه ارتباط دقیق بانظم جامعه داخلی و همچنین بین المللی دارد. بدیهی است بنابر آنچه متقدمان و متخصصان کیفری امروز گفته اند، حفظ جامعه درقبال خطر بزهکاران با تعیین قوانین کیفری کم و بیش شدید تأمین نخواهد شد، بلکه قوانینی که کشف سریع جرم و محکومیت قطعی بزهکار به مجازات را ممکن سازد در تحقق این هدف مفید و مؤثر خواهد بود.

آیین دادرسی کیفری باید طوری تدوین شود که با پیش بینی سازمان های قضایی مجهز و متشکل از متخصصین در رشته های مختلف اعم از حقوقی و کیفری و غیره با تفکیک صلاحیت هر یک و

ایجاد تأمین ها و تضمین های ضروری در دادرسی و مدافعات طرفین، اجرای عدالت کیفری را ممکن کند. بدیهی است در حفظ منافع جامعه نباید حقوق و منافع فرد، قربانی و نابود گردد. زیرا اگر عدالت اقتضاء می کند که بزهدکار واقعی به مجازات محکوم شود، شرط اجرای عدالت هم این است که فردی که در مظان اتهام است، امکان دفاع از خود را داشته باشد. حیات و آزادی متهم زمانی از او سلب می شود که ضمن رعایت حقوق دفاعی، طی محاکمه منصفانه، مسئولیت کیفری و تقصیرش ثابت و به موجب حکم قطعی محکوم شده باشد. بنابراین مقررات آیین دادرسی کیفری که ناگزیر از تغییر و تحول دائمی و انطباق آن با جامعه های پیشرفته و متمدن است، باید متضمن قواعدی باشد که اجرای عدالت را در سطح تمدن جهانی عصر حاضر تأمین نماید. قوانین آیین دادرسی کیفری وقتی از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است که بین دو حق، حق جامعه که از جرم متضرر شده از یک سو، و حق انسانی که فعلاً به عنوان متهم شناخته شده است از سوی دیگر، تعادل ایجاد نماید. نیل به این هدف حقوقدانان و متخصصین را به بحث و تبادل نظر ترغیب کرده و اصلاح آیین دادرسی کیفری ملی به تبع تحولات بین المللی قضایی را ضمن حفظ حقوق بشر توصیه و پیشنهاد نموده است.

امروزه قوانین آیین دادرسی کیفری در بسیاری از کشورهای جهان در جریان اصلاح و تغییرات اساسی قرار گرفته است. این اصلاحات با توجه به گزارش ها، عمدتاً ناظر به اصول حاکم بر آیین دادرسی و رعایت حقوق متهمان است. هرچند عواملی که باعث این تحول در نظام کیفری می شود متعدد است، اما در اصل یک هدف مشترک در آن دیده می شود، که عبارت است از تلفیق حقوق بشر با آنچه که عدالت کیفری مفید و مؤثر به آن نیاز دارد. در اعمال این هدف نوع جرم و

یا جنایت تأثیری ندارد. چنانچه فی‌المثل جرائمی چون تروریسم و یا جنایت سازمان یافته، و یا جرائم مواد مخدر و از این قبیل هر چند پراهمیت‌اند ولی سرکوبی یا پیشگیری از فزونی آن به هر حال و به هر کیفیت باید با رعایت حقوق بشر انجام پذیرد.

تحقق عدالت به معنای عام و عدالت کیفری به معنای خاص همواره در طول تاریخ آرزوی انسان عدالت خواه بوده و هست. بدیهی است عدالت کیفری که هدف هر دادرسی جزایی است بدون برقراری محاکمه منصفانه ای که در آن حقوق و آزادی های متهم محترم شمرده شود هرگز فرصت ظهور نخواهد داشت. از عوامل توسعه حقوق کیفری در عصر حاضر مفاهیم و معیارهای حقوق بشر است. این مفاهیم و معیارها که در اسناد بین المللی و منطقه ای شناسایی شده و مورد حمایت قرار گرفته اند، به ویژه بر قوانین و مقررات ملی مربوط به آیین دادرسی کیفری تأثیر آشکار داشته اند. بارزترین جنبه چنین تأثیری حقوق متهم در برابر دادگاه است که فهرست اجمالی حقوق مورد بحث بدین قرار است:

«تساوی افراد در برابر دادگاه، محاکمه منصفانه و علنی در دادگاه صالح مستقل و بی طرف، تفهیم فوری و تفصیلی نوع و علت اتهام، حق حضور فوری در برابر دادگاه و محاکمه بدون تأخیر، حضور در دادگاه و دفاع شخصی یا توسط وکیل، مواجهه با شهود مخالف، دادن مترجم رایگان، منع اجبار به اقرار، جدایی آیین دادرسی اطفال از افراد بزرگسال، منع تجدید محاکمه و مجازات، تساوی افراد در برابر قانون، حاکمیت قانون بر نظام جرایم و مجازات ها، منع تأثیر قوانین زیانبار در وقایع گذشته، منع شکنجه و آزار و اعمال مجازات های غیرانسانی، منع دستگیری و بازداشت خود سرانه، حق اطلاع فوری از علل دستگیری و بازداشت، حق رسیدگی



به اتهام در مدت زمان معقول، حاکمیت پیش فرض برائت، منصفانه بودن محاکمه، برخورداری از تضمین های دفاع، ضرورت حفظ شأن و شخصیت انسانی متهمان، لزوم جبران زیان های وارد بر بازداشت شدگان یا محکومان بی گناه، و حق درخواست تجدید نظر.»

## ۱- طرح بحث

اگر به دقت به اسناد حقوق بشر بین المللی و منطقه ای نظر بیافکنیم، دادرسی کیفری را باید از اساسی ترین جنبه های حقوق بشر به شمار آورد و آن را می توان به عنوان شاخصی مناسب برای رعایت حقوق بشر در نظر گرفت.

مقررات متعدد ذکر شده در مواد ۱۰ و ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، بخش ۲۶ اعلامیه آمریکایی حقوق بشر (۱۹۴۸)، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر (۱۹۶۹)، ماده ۷ و ۸ منشور آفریقایی حقوق بشر (۱۹۸۱) و در نهایت ماده ۶ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی های اساسی (۱۹۵۰) که کامل ترین و الزامی ترین ماده در این خصوص می باشد نشان از تأکید بسیار و اهمیت بسزای دادرسی کیفری است. به زعم دیوان اروپایی حقوق بشر سه قاعده مهم دادرسی عبارتند از: انصاف، محاکمه علنی و تسریع در محاکمه.

فلسفه تضمین مورد بحث، پایان دادن به اضطراب و احساس نا امنی متهم و خاتمه دادن به بحران روانی، اجتماعی و دیگر زیان هایی است که با ایراد اتهام، برای او و خانواده اش به وجود می آید.

اطاله دادرسی حتی در کشورهای توسعه یافته دامنگیر دستگاه قضایی است. اطاله دادرسی یکی از مهم ترین مشکلات و موانع رسیدن به یک محاکمه عادلانه در ایران نیز می باشد که موجب افزایش فشار کاری قضات و نظام قضایی می شود، نتیجه ای جز کاهش کیفیت آراء، افزایش اشتباهات قضایی و نارضایتی مردم و مراجعان به نظام قضایی را به دنبال ندارد.

حتی در مواردی که حکمی صحیحاً و منطبق با واقع صادر شود، اگر این رأی با تأخیر صادر شود، موجب نارضایتی مردم خواهد بود. تأخیر در احقاق حق نیز کمتر از بی عدالتی نخواهد بود و به اندازه صدور آراء نادرست، اقتدار نظام قضایی را خدشه دار می نماید و رفع این مشکل باعث افزایش اعتماد مردم به دستگاه قضایی خواهد شد.

امید است که با ارائه استانداردهای منطقه ای و بین المللی در این زمینه و همچنین بررسی راهکارهای اصلاح سیستم قضایی قدمی در راه برطرف کردن این مشکل برداریم.

## ۲- سوالات تحقیق

این تحقیق در پی پاسخگویی به سؤالاتی چند است که عبارتند از:

۱- مهلت فرآیند دادرسی کیفری تا چه سقعی است و حد یقف آن تا کجاست و آیا امر موضوعی

است و حسب پرونده و نوع اتهام متفاوت است یا ثابت می باشد؟

۲- مکانیزم های بازدارنده عدم رعایت مهلت معقول چیست؟

۳- ضمانت اجرای عدم رعایت مهلت معقول چیست؟

۴- برای جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول در سیستم دادرسی کشورها در

اسناد بین المللی و منطقه ای راهکارهایی پیش بینی شده یا خیر؟

### ۳- فرضیات تحقیق

- ۱- مهلت فرآیند کیفری حداقل زمانی است که می توان در مورد یک پرونده تصمیم گیری کرد که بر اساس نوع و موقعیت پرونده و پیچیدگی آن متفاوت است.
- ۲- برای پیشگیری از عدم رعایت مهلت معقول ابتدا باید به اصلاح قوانین بپردازیم همچنین به تخصصی کردن دادگاه ها و تقسیم کار در دادگاه ها توجه کنیم و نظارت دقیق بر عملکرد قضات و ضابطین دادگستری از اهمیت بالایی برخوردار است.
- ۳- اصولاً در قوانین همه کشورها برای رعایت مهلت معقول ضمانت اجرا در نظر گرفته شده است. در کشور ما حدود و ثغور آن مشخص نشده است و به درستی قابل اجرا نیست.
- ۴- در اسناد بین المللی و منطقه ای راهکارهایی برای جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول پیش بینی شده است بر خلاف کشور ایران.

### ۴- اهداف تحقیق

به طور خلاصه این تحقیق اهداف زیر را دنبال می نماید:

- ۱- شناخت و معرفی مفهوم مهلت معقول در ایران، اسناد بین المللی و منطقه ای.
- ۲- عوامل مؤثر در عدم رعایت مهلت معقول.
- ۳- مقتضیات قانونی و قضایی برای جلوگیری از طولانی شدن دادرسی.
- ۴- ضمانت اجرا و جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول.

### ۵- سابقه تحقیق

نگارنده، کتاب یا مقاله ای که به طور خاص و شایسته به بحث مهلت معقول در مفهوم موسع و مورد نظر این تحقیق پرداخته باشد، نیافت. عمدتاً کتب یا مقالات مرتبط با این تحقیق مربوط به دادرسی عادلانه بوده که به طور مختصر از مهلت معقول در مفهوم مضیق و به عنوان یکی از زیر شاخه های دادرسی عادلانه سخن گفته اند. از جمله این کتب می توان به کتاب «دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی» جناب آقای دکتر مصطفی فضائی، اشاره نمود و همچنین کتاب «دادرسی عادلانه» سرکار خانم فریده طه و لیلا اشراقی به طور مختصر به بحث مهلت معقول پرداخته اند که به نسبت کتب دیگر توجه بیشتری به این موضوع داشتند. کتب و مقالات زیادی در مورد بحث اطاله دادرسی وجود دارد اما متأسفانه توجه خاص به مهلت معقول نشده است.

#### ۶- روش تحقیق

با توجه به موضوع تحقیق، سعی شده با جمع آوری داده ها مراجعه به اسناد بین المللی در مورد مهلت معقول اعم از اسناد جهانی و منطقه ای، آراء قضایی محاکم فراملی و تبیین قوانین و مقررات ایران و رویه قضایی داخلی در این مورد، تحقیقی تحلیلی و توصیفی در مورد مفهوم مهلت معقول ارائه گردد.

#### ۷- نحوه سازماندهی تحقیق

این تحقیق در قالب دو بخش ارائه می شود. در بخش اول به مفهوم، جایگاه و قلمرو مهلت معقول در دادرسی به طور کلی پرداخته شده است. این بخش دارای دو فصل است که به ترتیب به تبیین دادرسی با مهلت معقول (فصل اول)، و مبانی مهلت معقول (فصل دوم) می پردازد.

بدین ترتیب، در بخش اول با مفهوم مهلت معقول آشنا می شویم و توضیح مختصری در مورد دادرسی عادلانه می دهیم زیرا مهلت معقول زیر مجموعه آن است. همچنین به تبیین جایگاه مهلت معقول در اسناد بین المللی و قوانین ایران می پردازیم و قلمرو آن را مشخص می نماییم. و بر اصل سریع بودن دادرسی و پرهیز از شتابزدگی تأکید می کنیم. در پایان فصل اول این بخش، شاخصه های مهلت معقول را توضیح می دهیم. در فصل دوم این بخش به بیان اهمیت این موضوع می پردازیم همچنین عواملی که باعث طولانی شدن دادرسی می شوند را نام می بریم و توضیح مختصری در این باره می دهیم. در بخش دوم که به نقش قانون و رویه قضایی در تأمین مهلت معقول می پردازد، با عنوان مقتضیات قانونی و قضایی رعایت مهلت معقول، ضمانت اجرا و جبران خسارت، در دو فصل به نقش مقتضیات قانونی و قضایی (فصل اول)، ضمانت اجرا و جبران خسارت ناشی از عدم رعایت مهلت معقول (فصل دوم)، خواهیم پرداخت. در فصل اول ضمن توضیح مواردی که قانونگذار باید برای رعایت مهلت معقول به آنها توجه نماید به مقتضیات قضایی رعایت مهلت معقول هم می پردازیم. در فصل دوم بخش دوم ضمانت اجرا و جبران خسارت را توضیح می دهیم.

بخش اول:

مفهوم، جایگاه و قلمرو مهلت معقول در دادرسی

تسریع در دادرسی های کیفری از اهمیت ویژه ای برخوردار است، می توان ادعا کرد یک دادرسی کیفری بدون رعایت ضابطه رسیدگی در مهلت معقول از ارزش و جایگاه مطلوبی برخوردار نیست، عدم رعایت مهلت معقول در دادرسی های کیفری آثاری بس گران و زیانبار به دنبال دارد. شاکی، متهم، مجرم، دستگاه قضایی و حتی جامعه، اطرافیان و بستگان طرفین، دستخوش تبعات سوء این معضل قرار می گیرند. سرعت در انجام اقدامات تحقیقی به ویژه زمانی که متهم در بازداشت موقت به سر می برد دارای اهمیت خاصی است. چرا که حکومت حق ندارد با توسل به هیچ دلیلی ضمن سلب آزادی فردی، افراد را در وضعیتی نامشخص قرار دهد. رسیدگی ها در پرونده های کیفری از جمله تحقیقات دادگاه و تجدیدنظر باید بدون تأخیر غیر موجه صورت گیرد.

در این بخش به کلیاتی در مورد مهلت معقول می پردازیم. (فصل اول) همچنین مبانی مهلت معقول را بررسی می کنیم. (فصل دوم)

## فصل اول: تبیین دادرسی با مهلت معقول

این فصل سه مبحث دارد. در مبحث اول به توضیح مفهوم دادرسی عادلانه می پردازیم، سپس مفهوم مهلت معقول به عنوان یکی از زیر شاخه های دادرسی عادلانه را توضیح می دهیم. مبحث دوم اختصاص دارد به بررسی مفهوم مهلت معقول. در مبحث سوم شاخصه های مهلت معقول را توضیح می دهیم.

### مبحث اول: دادرسی عادلانه

سه واژه «دادرسی»، «محاکمه» و «Trial» در اصطلاح حقوقی مترادف هستند. واژه «دادرسی» مرکب از دو کلمه «داد» و «رسی» است که نخستین آن به معنای عدل و انصاف و دومی به معنای رسیدن و رسیدگی کردن است. پس، دادرسی یعنی به داد کسی رسیدن یا به دادخواهی کسی رسیدگی کردن است.<sup>۱</sup> بنابراین واژه «دادرسی» خود به معنی رسیدگی به عدل و داد است و دادرسی عادلانه به نوعی تأکید مؤکد است.

کلمه "Trial" مصدر است که از try گرفته شده و یکی از معانی لغوی آن سنجش، آزمون و بررسی است، و در فرهنگ قضایی به مفهوم رسیدگی است که از همین معنا اقتباس شده است. در لغت هم برخی فرهنگ ها این کلمه را به معنای «رسیدگی رسمی به ادله در یک دادگاه قانونی، به وسیله یک قاضی و اغلب یک هیأت منصفه، برای تصمیم گیری راجع به اینکه آیا شخص متهم به یک جرم، مجرم است یا نه» معنی کردند.<sup>۲</sup> همان گونه که ملاحظه می شود، این

<sup>۱</sup> - عمید، حسن، فرهنگ عمید، جلد اول، انتشارات امیر کبیر، چاپ هشتم، ۱۳۷۱، ص ۲۱۸۸.

<sup>۲</sup> - oxford Advanced Learners Dictionary, As. Hornby, fifth edition, 1995 Ed. Donathan crowther, offset 2000, pp 1275, 1281.



تعریف ناظر بر رسیدگی کیفری است، لیکن موضوع محاکمه اعم از کیفری و غیرکیفری است.

با نظر به این مفهوم عام می توان Trial را «رسیدگی قضایی» معنا کرد.

واژه عادلانه یا منصفانه ترجمه کلمه "Fair" است، که در لغت به معنای «رفتار برابر و مطابق

با قواعد و حقوق با هر شخص یا هر طرف» آمده است و نیز به معنای «معقول و عادلانه یا

متناسب با شرایط» است، مانند آنجا که وصف معامله، سهم، دستمزد، قیمت و مانند آن واقع می

شود.<sup>۱</sup> در ادبیات قضایی، این واژه ها به معنای داشتن وصف بی طرفی و درستی، آزادی از

تعصب و جانبداری و نفع شخص، عادلانه، منصفانه، غیرجانبدارانه و برابری میان طرفین

منازعه، به کار برده می شود. این صفت در عبارت «دادرسی عادلانه» نیز بر همین معانی

دلالت دارد.<sup>۲</sup>

در این بحث در گفتار اول مختصر توضیحی در مورد پیشینه دادرسی عادلانه می دهیم و در

گفتار دوم مفهوم دادرسی عادلانه و اجزاء تشکیل دهنده آن را توضیح می دهیم.

### گفتار اول: پیشینه دادرسی عادلانه

حق دادرسی عادلانه یک نرم حقوق بشر بین المللی است که به منظور حمایت اشخاص در

مقابل کاهش خودسرانه و غیرقانونی و آزادی های اساسی در نظر گرفته شده است که از

برجسته ترین حقوق اساسی، از جمله حق حیات و آزادی های اساسی می باشد. حق دادرسی

عادلانه به موجب ماده ۱۴ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که تصریح نموده: «هر شخص

<sup>۱</sup> - Oxford Advanced Learners Dictionary, p. 416.

<sup>۲</sup> - به «رسیدگی توسط یک مرجع بی طرف و غیرذینفع Impartial and disinterested» تعریف شده است.

حق دارد از یک دادرسی عادلانه و علنی که توسط یک دادگاه صالح، مستقل و بی طرف که به موجب قانون تشکیل شده، برخوردار باشد» تضمین شده است.

مقصود از دادرسی عادلانه، محاکمه بر مبنای عدالت است. با این توجیه دادرسی عادلانه تا قرون وسطی مصداق واقعی نداشت چه آنچه تا این زمان، محاکمه افراد از حقوق پادشاهان بود که به وسیله حکام و روحانیون اجرا می شد، در این محاکمات، متهمان بی پناه به فجیع ترین طرق تحت شکنجه قرار می گرفتند تا بتوانند بی گناهی خود را در چنین شرایطی ثابت کنند.

بر طبق قواعد سالیک اوردالی، دست متهم را در آب جوش قرار می دادند تا متهم پس از ماه ها شکنجه، اگر زنده بود، بی گناهی اش ثابت شود. گذاشتن اعضاء و یا اندام شخص در روغن مذاب، فرو بردن در سرب یا فلز گداخته، امری عادی تلقی می گردید.<sup>۱</sup> انقلاب کبیر فرانسه طلیعه پایان دادن به این دادرسی های وحشیانه بود و عصر رنسانس زمان به چالش کشیدن قدرت و روحانیون کلیسا، هر روز قاعده جدیدی وضع و رسوم وحشیانه کهن منسوخ می شد. مبارزات مردم جهت کسب آزادی، بدون داشتن دادگستری نوین امکان پذیر نبود. دستگاه قضایی، بدون استقلال، خیال خام و بیهوده بود. مبارزان راه آزادی به جد، ساختار قضایی را هدف گرفتند و انقلاب عظیم در دستگاه قضایی ایجاد شد. دادگستری نوین بر مبنای استقلال قضات و قوه قضائیه ایجاد شد. این حرکت انقلابی و عظیم تمام کار نبود بلکه باید هنوز قواعد جدیدی جهت حرمت انسان وضع می شد.

<sup>۱</sup> راوندی، مرتضی، سیر قانونگذاری در ایران، انتشارات گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۷۹، ص ۳۷.

جنايات ناشی از جنگ جهانی اول، ملل متحد را به وضع قواعدی جهت حفظ حقوق و حرمت انسان وادار نمود، اما این قاعده پراکنده نتوانست قواعدی جهان شمول را فراهم آورد.

آغاز جنگ جهانی دوم، شروع تجاوز و حشيانه به حقوق انسان ها به خصوص کشورهای اشغال شده از طرف دول متجاوز بود. جنگ جهانی دوم بالاخره در سال ۱۹۴۵ با پیروزی متفقین به پایان رسید. سال ۱۹۴۸ شروع پیروزی انسان های تحت ستم است. اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. اعلامیه ای که باید به خودسری ها و تجاوزات حکام در سراسر جهان خط بطلان می کشید، چه این اعلامیه، مجموعه قواعد و مقررات جهان شمول است. در ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است:

«هر کس در تعیین حقوق و تعهدات خویش و هر گونه اتهام جزایی که به او وارد شود، با مساوات کامل حق برخورداری از دادرسی منصفانه و علنی را در دادگاه مستقل و بی طرف دارد.» به دنبال تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر، اقدامات سازمان ملل در این زمینه با تصویب میثاق حقوق مدنی و سیاسی در تاریخ ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ تکمیل گردید. ماده ۱۴ این میثاق به بیان موازین دادرسی عادلانه پرداخته است. این ماده همراه با مواد ۷ و ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۵ میثاق، مجموعه ضوابط و اصول دادرسی عادلانه را تشکیل می دهد. معیارها و اصول دادرسی عادلانه در اسناد و کنوانسیون های بین المللی دیگر همانند کنوانسیون رفع تبعیض علیه زنان، کنوانسیون منع تبعیض نژادی، منشور آفریقایی حقوق بشر، کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و کنوانسیون اروپایی حقوق بشر و مجموعه مصوبات سازمان ملل در زمینه اصول اساسی نقش وکلا، استقلال قوه قضائیه تصریح و مورد شناسایی قرار گرفتند. لازم به ذکر است

دولت ایران در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۵۴ به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ملحق گردیده، حسب ماده ۹ قانون مدنی، مقررات عهدی که جمهوری اسلامی ایران به آن ملحق گردیده در حکم قانون است. همچنین بند اول ماده ۱۶ کنوانسیون اروپایی، ماده ۸ کنوانسیون آمریکایی، بند اول ماده ۲۰ اساسنامه یوگسلاوی، بند اول ماده ۱۹ اساسنامه رواندا، بند (۲) ماده ۶۴ و بند اول ماده ۶۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین المللی، به این موضوع اختصاص دارد.

### گفتار دوم: مفهوم دادرسی عادلانه

با توجه به آنچه درباره مفهوم هر یک از واژه های تشکیل دهنده اصطلاح «دادرسی عادلانه» و مفاهیم مرتبط با آن گذشت، می توان آن را چنین تعریف کرد:

«رسیدگی و تصمیم گیری قضایی درباره موضوعات مدنی و کیفری میان طرفین دعوا چه در امور حکمی و چه در امور موضوعی، در دادگاهی صلاحیتدار، مستقل، بی طرف و غیرذینفع، با تضمین و رعایت حقوق قانونی طرفین دعوا در طی مراحل مختلف دادرسی.»<sup>۱</sup>

رعایت عدل و انصاف مهمترین اصل حقوق بشری و ستون فقرات حق ها است.<sup>۲</sup> به بیان دیگر محاکمه عادلانه، عدالت شکلی در قضاوت است. رعایت این عدالت به منظور نیل به نتیجه ای است که همانا انجام قضاوتی عادلانه، منصفانه و بی طرفانه است. چنین قضاوتی هنگامی تحقق می یابد که به هر یک از طرف های دعوا آنچه را سزاوار است (حق) اعطا کند، اگر یکی بیش از آنچه سزاوار بوده برده است از او بازستاند، مجرم را محکوم و بی گناه را تبرئه کند، و به

<sup>۱</sup> فضائلی، مصطفی، «دادرسی عادلانه محاکمات کیفری بین المللی، انتشارات شهردانش، چاپ اول، ۱۳۸۷، ص ۶۰.

<sup>۲</sup> محمدقاری، سیدفاطمی، جستارهایی تحلیلی از حق ها و آزادی ها، جلد دوم، انتشارات شهر دانش، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۲۲۰.